



درآمدی بر فلسفه آموزش محیط زیست از منظر اسلامی

سمانه ترابی نژاد^۱ مراد یاری دهنوی^۲ مسعود اخلاقی بناری^۳

چکیده

با توجه به شرایط نامطلوب پیش آمده برای محیط زیست، توجه به آموزش محیط زیست یک ضرورت جهانی است. ادیان الهی و نقش موثر آن‌ها در جهان بینی و رفتار انسان‌ها نیز، مورد توجه جهانی برنامه ریزان آموزش محیط زیست قرار گرفته‌اند. بنابراین توجه به مبانی دین اسلام به عنوان دین خاتم، برای دستیابی به برنامه‌های آموزش محیط زیست، ضرورتی برای پژوهش‌های تربیت اسلامی می‌باشد. بر این اساس، این پژوهش برای دستیابی به مفهوم، اهداف، مبانی، اصول و روش‌های آموزش محیط زیست با استفاده از تعالیم قرآن، انجام شده است. برای رسیدن به این هدف، با استفاده از رویکرد استنتاجی و روش فرانکنا و با توجه به تعالیم قرآن، عناصر و اهداف آموزش محیط زیست از منظر قرآن، استخراج شده‌اند؛ سپس با توجه به این اهداف و عناصر، به تبیین مبناها و سپس استخراج اصول و روش‌ها و در بعضی موارد فنون مربوط به آموزش محیط زیست مورد نظر اسلام پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: فلسفه، آموزش، محیط زیست، آموزش محیط زیست

۱. مقدمه

اسلام به عنوان دین خاتم و یک دین جامع برای انسان‌ها می‌باشد؛ بنابراین باید بتوان در مورد مسائل انسان قرن بیست و یکم نیز، راهکارهایی را از آن برداشت کرد. یکی از مسائل بسیار ضروری و مهم پیش آمده برای انسان امروز، بحث آلودگی و تخریب محیط زندگی او می‌باشد. زمین امروز، در اثر رفتارهای انسان مخصوصاً در قرن اخیر و پس از انقلاب صنعتی، دچار بحران شده است به طوری که زندگی سالم انسان بر زمین با ادامه ی این روند، غیرممکن می‌نماید. به نظر می‌رسد نوع نگرش انسان به طبیعت و جهان بینی مبتنی بر تفکر انسان محوری، سبب استفاده و بهره‌وری نامتعادل انسان از طبیعت شده است به طوری که این استفاده‌ی بی حد و اندازه از منابع زمین، نه تنها سبب آسیب به محیط زیست شده، بلکه زندگی انسان را نیز به خطر انداخته است. بنابراین ضروری

۱ دانشگاه شهید باهنر، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، بخش علوم تربیتی. samane1390.torabi@yahoo.com

۲ دانشگاه شهید باهنر، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، بخش علوم تربیتی. myaridehnavi@gmail.com

۳ دانشگاه شهید باهنر، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، بخش علوم تربیتی. masoud.akhlaghy@gmail.com



است که انسان به بازنگری اندیشه های خود در مورد طبیعت پردازد و ریشه های فکری این آسیب ها را دریابد و به اصلاح آن ها پردازد.

نقش مهم جهان بینی در رفتار انسان، ضرورت توجه انسان ها به دین را مشخص تر می کند. چرا که با وجود پیشرفت علوم، بسیاری از موضوعات مورد سوال انسان ها، همیشه مانند راز باقی می ماندند و اساساً از جنس مساله نیستند و به شکل راز باقی خواهند ماند. جدای از این موضوع که همین ماهیت رازها، نشان از شکوه زندگی انسان است، نشان از نیاز انسان به منبع وحی برای یافتن دستورالعمل هایی برای زندگی خود می باشد. در مورد رابطه ی انسان و طبیعت، به دلیل مشکلات به وجود آمده برای زندگی انسان و محل زندگی او بر اثر رفتار انسان طبق یک جهان بینی انسان نوشته، این ضرورت بیشتر احساس می شود. بنابراین برای دست یافتن به رویکرد اسلام نسبت به طبیعت و ارتباط مطلوب انسان با طبیعت، لازم است در متون اصیل دین اسلام یعنی قرآن کریم و روایات ائمه ی اطهار (ع) جستجو کرد و چارچوب جهان بینی اسلامی در این مورد را یافت. در این پژوهش، با مراجعه به آیات قرآن کریم که صبغه ی زیست محیطی دارند، ابتدا مفهوم آموزش محیط زیست مورد نظر اسلام را بیان و سپس مبانی و اصول و روش های این ساحت تربیت را مطرح می کنیم. لازم به توضیح است که تربیت یک امر کلی است که شامل همه ی زوایای وجود انسان می شود؛ به کار بردن اصطلاح آموزش محیط زیست، تنها به دلیل تاکید بر استعداد ذاتی انسان در مورد ارتباط صحیح با طبیعت و یافتن روش هایی برای شکوفا کردن آن می باشد.

۲. مبانی نظری

برای یافتن مفهوم آموزش محیط زیست مبتنی بر تعلیمات اسلام، ابتدا باید رویکرد اسلام به طبیعت را پیدا کنیم. از میان آیاتی از قرآن که به طبیعت و پدیده های آن اشاره دارند، می توان به چند مورد اساسی در مورد رویکرد اسلام به طبیعت دست پیدا کرد.

۲-۱- ذی شعور و تسبیح گوی و قدسی بودن طبیعت

در نگاه قرآن تمام عالم خلقت ذی شعور و همچنین تسبیح گوی پروردگارند. (جهانگیر، ۱۳۹۰) که از آگاه شدن به این حقیقت، نگاه قدسی به طبیعت زاده میشود.

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ خَلِيفاً غَفُوراً (اسرا / ۴۴).

آسمانهای هفت گانه و زمین و هر کس که در آنهاست او را تسبیح می گویند و هیچ چیز نیست مگر در حال



ستایش، تسبیح او می گویند ولی شما تسبیح آنها را در نمی یابید.

۲-۲- طبیعت به عنوان رازدار و حافظ واقعیات

با توجه به آیات: وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (زلزال/۲)، يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (زلزال/۴) زمین امانتدار و رازداری است که روزی به فرمان خدا آن رازها را بازگو می کند (جهانگیر، ۱۳۹۰). که این نکته بر ذی شعور بودن طبیعت نیز تاکید می کند. در واقع در روز رستاخیز، این درک و شعور طبیعت بر همه آشکار خواهد شد.

۲-۳- قسم به پدیده های طبیعی

سوگندهای قرآن عموماً دو مقصد را تعقیب می کند: نخست اهمیت مطلبی که سوگند به خاطر آن یاد شده، و دیگر اهمیت خود این امور که مورد سوگند است، چرا که سوگند همیشه به موضوعات مهم یاد می شود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴). در قرآن و مخصوصاً در جزء ۳۰، قبل از بیان مسأله ای مهم، سوگندهایی به بعضی عناصر طبیعت می بینیم. مثلاً در ابتدای سوره تین: وَالَّتِينِ وَالزَّيْتُونِ به انجیر و زیتون قسم یاد شده. در بین مفسران نظرات مختلفی در مورد این قبیل سوگندها وجود دارد، بعضی این قبیل سوگندها را نماد مفهومی دیگر می دانند و بعضی منظور را همین میوه های یاد شده به دلیل فوئادشان می دانند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴)؛ در هر صورت استفاده از نام میوه ها و دیگر پدیده ها، به صورت نمادین هم که باشد نشان اهمیت دادن به آنهاست. سوگندهای قرآن به پدیده های طبیعی، حکایت از والایی، اهمیت و عظمت موضوع سوگند دارد.

۲-۴- نامگذاری بعضی سوره ها به نام عناصر طبیعت

نام حدود ۱۷ سوره از سوره های قرآن، به نام پدیده ها و عناصر طبیعت است. این نامگذاری البته به دلیل وجود داستانی در آن سوره در مورد آن موجود است یا به دلیل سوگندی است که در سوره نسبت به آن پدیده وجود دارد؛ مثلاً در سوره بقره، این نام به دلیل وجود داستان گاو بنی اسرائیل در این سوره است. و نام سوره طارق، به این جهت که در ابتدای سوره، خداوند به طارق آسمان سوگند خورده است، به این نام است. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴)

۳. مرور پیشینه ها**پژوهش های خارج ایران:**

- آموزش محیط زیست در قرن بیست و یکم، پالمر، ترجمه خورشید دوست، (۱۳۸۲)
- اخلاق زیست محیطی، لویی پولمان، ترجمه گروه مترجمان (۱۳۸۴)
- اخلاق زیست محیطی. استیون کلارک ترجمه محمودی مظفر (۱۳۸۴)
- خدا باوری و اخلاق زیست محیطی. گنری آل. کامستوک. ترجمه انشاءالله رحمتی (۱۳۸۷)
- اخلاق زیست محیطی مایکل پی. نلسون. ترجمه واعظی نژاد (۱۳۸۵)

پژوهش های داخل ایران

- اصول تربیت زیست محیطی، اصغری لفجمانی (۱۳۸۴).
- اسلام و محیط زیست. ولایی (۱۳۸۸)
- نظریه اخلاق زیست محیطی اسلام با تاکید بر آرای استاد مصباح یزدی. فتحعلی. (۱۳۹۰).
- محیط زیست و بحران آن، رویکردی قرآنی. جهانگیر، عیسی. (۱۳۹۰).
- چالش های زیست محیطی و مبانی نظام محیط زیست در اسلام. -فراهانی فرد و محمدی. (۱۳۹۰).
- عدالت زیست محیطی در آموزه های قرآن و حدیث. حجتی و سلامی. (۱۳۹۰).

۴. روش شناسی مطالعه

این پژوهش از لحاظ هدف از نوع پژوهش های بنیادی است و از نظر جمع آوری اطلاعات از نوع نظری و غیر تجربی و از لحاظ ماهیت اطلاعات جمع آوری شده از نوع کیفی می باشد. روش پژوهش به منظور وصول به اهداف، روش استنتاجی می باشد. (باقری، ۱۳۸۹)

۵. یافته ها**عناصر مفهوم آموزش محیط زیست**

می توان عناصر آموزش محیط زیست را در دو بخش عمده نظری که در حیطه ی شناخت قرار دارد، و عملی که در حیطه ی انتخاب و عمل می باشد، و در دو بخش سلبی و ایجابی دسته بندی کرد. بعد نظری که شامل نوع تفکر و جهان بینی است و عملی شامل نوع رفتاری که از این جهان بینی انتظار می رود و در فرد تثبیت می شود. با توجه به مطالبی که گفته شد، در دیدگاه اسلامی، می توان به این عناصر رسید و با توجه به آن ها، آموزش



محیط زیست برخاسته از تعالیم اسلامی را تعریف کرد.

عناصر نظری: (بعد شناختی):

ایجابی:

- درک قداست و ماهیت آیه ای بودن طبیعت و هستی
- درک خوبستن به عنوان جزئی از نظام طبیعت و هستی
- درک مسئولیت اخلاقی خود نسبت به طبیعت
- شناخت طبیعت به عنوان آیت الهی، زنده، تسبیح گوی خدا، مسخر و محمل برآورده نیازهای آدمی
- تلقی جهان طبیعت به عنوان آفرینش و خلقت خداوند که ذی شعور است
- تلقی انسان به عنوان جزئی از هستی و در تاثیر و تاثر متقابل با سایر موجودات عالم، اعم از جاندار و بی جان
- قابل احترام دانستن همه ی موجودات جاندار و بی جان هستی
- اعتقاد به اینکه آفرینش، محصور در طبیعت محسوس نیست

سلبی:

- عدم نگریستن به طبیعت به عنوان ماده بی جان
- پرهیز از خودمحوری در نظام هستی و طبیعت
- پرهیز از ابزار انگاری طبیعت
- پرهیز از تفکر سلطه و استیلا

عناصر عملی (بعد انتخاب و عمل):

ایجابی:

- احترام به همه ی خلقت و لذت بردن از طبیعت و خواستن این لذت برای سایر انسان ها در همه ی زمان ها
- تلاش در جهت آباد ساختن
- اقدام برای پاسداری و آبادانی هستی و طبیعت
- احساس مسئولیت اخلاقی نسبت به طبیعت و رعایت اخلاق زیست محیطی

سلبی:

- خودداری از آسیب رساندن به طبیعت جاندار و بی جان

مفهوم آموزش محیط زیست

با توجه به استعداد ذاتی انسان نسبت به طبیعت، یعنی زیبایی شناسی، کنجکاوی و حقیقت جویی، و پرورش این استعداد، انسان با درک ماهیت آیه ای طبیعت، و درک خود به عنوان جزئی از خلقت خداوند در کنار طبیعت، و



اعتقاد به اینکه هستی دارای مولفه های نادیدنی مثل فرشته ها نیز می باشد، ابتدا توسط مربی و با استفاد از حس فطری ارتباط با طبیعت، و سپس با بیشتر شدن سن و توانایی بیشتر درک خود و محیط اطراف، دارای حس عمیق مسئولیت نسبت به همه ی عناصر محیط زیست اطراف خود می شود و این احساس مسئولیت، در عرصه ی عمل، بدون اجبار بیرونی، سبب اقدام انسان به جلوگیری از تخریب محیط زیست، اعم از کوه و دشت و محیط شهری، و البته بهره برداری مفید و آبادانی آن می گردد.

مبانی و اصول و روش های آموزش محیط زیست

مینا: مجموعه قانونمندی های شناخته شده در علوم نظری که تعلیم و تربیت بر آن ها تکیه دارد. در این پژوهش، مبنایها را از میان آیات قرآن برداشت کرده ایم.

اصل: دستور العملی کلی است که به عنوان راهنمای عمل در نظر گرفته می شود. اصول هم از مبنایها و هم از اهداف، متأثر می شوند.

روش: دستور العمل های جزئی تر از اصل هستند که برای عمل تربیت، راهنماهای واضح تری هستند.

فن: فنون تربیتی، به طور مستقیم راهنما و پیشنهادی برای فعالیت های تربیتی هستند.

دسته بندی مبنایها

مبنایهای به دست آمده از قرآن را در سه بخش دسته بندی می کنیم: (۱) مبنایهای مربوط به نقش و جایگاه طبیعت در هستی، (۲) مبنایهای مربوط به جایگاه انسان در هستی، (۳) مبنایهای مربوط به رابطه ی انسان با طبیعت. در این مقاله، به بیان مبنایهای دسته اول و دوم می پردازیم.

مبنایهای مربوط به جایگاه طبیعت در هستی

مبنای اول: طبیعت، ذی شعور و تسبیح گوی خداوند است

مراد از بیان اینکه طبیعت و اشیا، مسبح هستند، قداست بخشیدن صرف به آن ها نیست به این صورت که عناصر آن به صورت الهه برای انسان در آیند؛ چنانچه انسان ها در دوره هایی از تاریخ این اشتباه را نیز مرتکب شده اند؛ بلکه هدف، تبیین پیوستگی خلقت خداوند است که همه ی پدیده ها را شعور ذاتی بخشیده است و «هر موجودی به اندازه ی بهره ی وجودی خود، دارای علم است و با زبان نقص خویش، کمال خالق خویش را فریاد میزند.» (تفسیر المیزان)

«از نظر قرآن، همه ی اجزای طبیعت همگی همواره تسبیح گوی حق می باشند، همه در مقابل خداوند نماز می خوانند و عبادت به جای می آورند: (جمعه/۱). جالب این است که از نظر قرآن، تسبیح موجودات می تواند مورد درک و شعور و فهم انسان باشد. در یک آیه خطاب به رسول خدا آمده است: الم تر (نور/۴۱).» (فرمیهنی فراهانی، ۱۳۹۰، ۳۶۷)



در تفسیر المیزان ذیل آیه الم تران الله یسبح له من فی السموات والارض والطیر صافات کل قد علم صلاته و تسبیحه والله علیم بما یفعلون (نور/۴۱) آمده است: «وجود هر چیزی محتاج به اوست چون بواسطه او ظهور یافته و با وجود و ظهور خود دلالت بر منور و مظهر خویش می نماید. همان که او را از ظلمت عدم به نور وجود، ظهور بخشیده و این زبان حال و مقال تمام موجودات عالم است که با نقص و احتیاج خود، خالق خود را تسبیح و تنزیه می کنند و این همان تسبیحی است که خداوند آن را به همه موجودات نسبت می دهد و لازمه آن نفی استقلال از تمامی ماسوی الله و نفی هرمدبر و ربی غیر از خداست. خداوند در تسبیح موجودات عقلای آسمانها و زمین و مرغان بال گشوده را که همگی دارای روحند، اختصاصا نام می برد، با آنکه تسبیح خدا اختصاص به آنها ندارد، اما از آنجا که این موجودات از عجایب خلقت هستند خداوند آنها را به ذکر اختصاص داده و هر کس که مدعوی را می خواند برای متوجه کردن او نسبت به حاجات خویش است، حاجاتی که دعا شونده از آن بی نیاز است و خدا منزله از هر احتیاج بوده و ما سوی الله همه محتاج به او هستند، پس دعای تکوینی موجودات بیشتر از هر چیز دلالت بر تنزیه و تسبیح پروردگارشان می کند در عین حال عبارت (کل قد علم صلاته و تسبیحه) دلالت بر این می کند که تسبیح موجودات همه از روی شعور است (۱۸). از طرف دیگر بکار بردن (الم تر) دلالت بر وضوح و ظهور تسبیح موجودات می نماید ظهوری که هیچ خردمندی در آن تردید نمی کند. و در آخر می فرماید خداوند به آنچه می کنند داناست، یعنی تسبیح آنها را می داند، و می شنود اگرچه وجود آنها عین تسبیح است اما این تسبیح به اعتباری فعل آنها نیز محسوب می شود، لذا خدا تسبیح همه موجودات را می داند و به زودی به ایشان جزای نیکو می دهد.» (تفسیر المیزان)

هدف قرآن از آیاتی که تسبیح گوی بودن پدیده های طبیعی را بیان می کند

در قرآن حدود ۱۵ آیه، به تسبیح موجودات اشاره کرده اند. فعل همه ی این آیات به صورت مضارع است. اما در مورد انسان به طور خاص، حدود ۱۴ مرتبه فعل امر تسبیح به کار رفته است؛ سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى (اعلی/۱). در واقع تنها در مورد انسان است که فعل امر تسبیح کردن به کار رفته است. با توجه به تفسیر المیزان که تسبیح موجودات را نشانه ی شعور آن ها و نه فقط یک تسبیح تکوینی می شمارد، می توان از این آیات هم به اختیار انسان پی برد و هم شاید بتوان این نکته را استنباط کرد که همچون تسخیر، در مورد تسبیح نیز، پدیده ها جایگاهشان مشخص است و اینجا نیز این انسان است که باید با شناخت خالق و مخلوقات او، همنا با دیگر پدیده ها به تسبیح خداوند بپردازد و جایگاه خود را در نظام خلقت درک و پیدا کند.

بنابراین، هدف قرآن از آیاتی که تسبیح پدیده ها را بیان می کنند، آگاهی دادن به انسان است در جهت شناخت طبیعت، شناخت خدا، شناخت خود که موجودی اراده مند است و شناخت مسئولیتی که این اراده برای او ایجاد می کند.

اصل ۱: اعتقاد و باور داشتن به تسبیح گوی و ذی شعور بودن طبیعت

برای آموزش زیست محیطی و تربیت استعداد زیست محیطی انسان از منظر اسلامی، یکی از مبانی اساسی و بسیار تاثیر گذار، قدسی بودن و تسبیح گوی بودن طبیعت است. بنابراین باور داشتن به این موضوع، یک اصل مهم می باشد، چرا که نگاهی هستی شناسانه به طبیعت دارد و یکی از پایه های مهم جهان بینی اسلامی در مورد طبیعت است. آشنا کردن مرتبی با این مبنا، زمینه ساز اعتقاد و باور او به قدسی بودن طبیعت است.

روش: آگاهی دادن به مرتبی در مورد ماهیت تسبیح گوی بودن طبیعت

با استفاده از آیاتی از قرآن که در مورد مسبح بودن طبیعت سخن گفته اند، می توان این نگرش قرآنی را در مورد طبیعت به مرتبی آموزش داد. چرا که این یک بحث نظری است و برای آگاه شدن از آن و باور پیدا کردن به آن، باید با مبانی چنین تفکر و تلقی از طبیعت، آشنایی پیدا کرد. این مبناها نیز در آیات قرآن آمده اند.

اصل ۲: احترام به طبیعت و حفظ حریم آن

طبیعتی که تسبیح گوی و قدسی و جاندار و ذی شعور است، شایسته ی احترام است. بنابراین این احترام باید به عنوان یک اصل در نظر گرفته شود. هر چند که اگر مرتبی به قدسی بودن طبیعت باور داشته باشد و بتواند مرتبی را از قدسی بودن طبیعت آگاه کند، خود به خود، از دل این آگاهی، احترام می روید.

روش: رعایت اخلاق در عمل و رفتار با طبیعت

بدیهی است که وقتی صحبت از قدسی بودن و در نتیجه احترام به میان می آید، اخلاق رکن بعدی است که به وجود خواهد آمد. با این رویکرد و جهان بینی، طبیعتی که تسبیح گوی خداوند است، سزاوار رعایت اخلاق است. رابطه ی اخلاقی با طبیعت نیز، مستلزم درک وظیفه ی انسان نسبت به طبیعت است.

مبنای دوم: همه امور در هستی و هر آنچه در آن انجام می گیرد، در حضور و آشکاری است

وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (نمل/۷۵)

«شهادت، یکی از ویژگی های اساسی نظام هستی است. شهادت به معنای حضور است و با توجه به آن، نظام هستی، نظام شاهد و مشهودی است. از این زاویه، اساس هستی شهادت و حضور است و غیب و غیبت در آن راه ندارد. هنگامی می توان از غیب سخن گفت که پای اعتبار گشوده شود؛ به اعتبار زمان حال، گذشته غیب و به اعتبار نگاه انسان، خدا غیب است، اما اگر از این اعتبارها بگذریم، آنچه اصیل است شهادت است. در حیطه ی این بینش، هستی یکسره برملاست و هیچ چیز به غیبت بر گزار نمی شود، نه برگی از شاخه ای فرو می افتد و نه دانه ای که در هزار بطن ظلمت زمین آرمیده است.

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتٍ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (انعام/۵۹). در اوج این نظام شاهد و مشهودی، خدا جای دارد و



بنابراین شهادتی بی رقیب از آن اوست. قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ (انعام/۱۹) «(باقری، ۱۳۸۶، ۱۰۵)

اصل: درک معنای آشکار بودن همه ی امور اعم از اعمال و گفتار

طبق این اصل، ابتدا باید به درکی از این آشکاری رسید تا بتوان بر اساس آن، عملکردها را تنظیم کرد. چرا که این موضوع که همه امور در عالم در آشکاری صورت می گیرد و ثبت و ضبط می شود، تا زمانی که توسط مربی و مربی درک نشود، اثر تربیتی نخواهد داشت.

روش: اعطای بینش و آگاهی در مورد این خاصیت هستی و ارائه ی استدلال در این مورد

برای سنین مختلف، بحث در مورد این مبنا، باید با احتیاط صورت گیرد. چرا که در کودکی با سن پایین که درکی از امور انتزاعی ندارد، بیان اینکه همیشه و همه جا دیده می شوید و کارهایتان ثبت می شود، ممکن اسن موجب ترس و بروز بیماری روانی گردد. می توان گفت این مبنا، مربوط به سنین بعد از بلوغ است که انسان می تواند به درکی از مسائل نظری برسد. بنابراین، با آگاهی دادن به مربی در این مورد و در سن مناسب، می توان در او درکی از آشکاری امور عالم ایجاد کرد. بهره گیری از این اصل، کاملاً در جهت ایجاد نیروی کنترل درونی است و هرگز نباید ازین مبنا و اصل، برای ایجاد ترس و قدرت بازدارنده ی آن برای جلوگیری از فساد و تخریب استفاده کرد. برای استدلال در این مورد و دادن آگاهی، می توان به آیات قرآن استناد کرد.

مبنای سوم: طبیعت شاهد، رازدار و حافظ واقعیت ها است

به طور خاص و برگرفته از مبنای قبل، طبیعت یکی از اجزای هستی است که همه چیز را در خود ضبط می کند. زمین دارای شعور و محترم است و می بیند و قابلیت شهادت دادن در روز رستاخیز را دارد؛ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (زلزال/۲)، يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (زلزال/۴). بنابراین حرمت دارد و باید حرمت شعور او را نگه داشت. همانطور که اگر کسی بخواهد کار بدی انجام دهد، حتی در حضور یک کودک این کار را نمی کند، داشتن این درک از زمین و فهم عمیق آن، اینکه می بیند و ضبط می کند و شعور دارد، می تواند به عنوان یک نیروی بازدارنده ی درونی برای انسان عمل کند.

اصل: دقت و توجه در انتخاب نوع عمل و رفتار

توجه به این حقیقت که زمین یک شاهد است، کنترلی درونی برای توجه و دقت در رفتارهاست. چرا که بدیهی است که آگاهی بر این موضوع، انسان را از هرزگی در رفتار دور نگه می دارد و به خاطر شرافت انسانی خود، در انتخاب نوع اعمال خود دقت می کند. نکته ای که اینجا خیلی مهم است، این است که مربی باید متوجه باشد که این موضوع را ابزاری برای ترساندن مربی در جهت رسیدن به اهداف تربیتی خود نکند؛ در واقع هنر تربیت، بهره گرفتن از این اصل برای درونی کردن مرکز کنترل رفتارهای انسان است، نه اینکه با ایجاد ترس از اینکه رفتارهای



او ثبت می شوند، کنترل بیرونی از راه دوری برای متری کار بگذاریم.

روش: توانا شدن در تشخیص اعمال درست و نادرست و انجام عمل درست

برای دست زدن به انتخاب درست، بدیهی است که باید ابتدا به قدرت تشخیص درست و نادرست دست یافت. تشخیص دادن، یک مهارت است که از آگاهی های فرد نشأت می گیرد. بنابراین ابتدا آگاهی از درست و نادرست مورد نیاز است. هر چند داشتن آگاهی، تضمینی بر تشخیص صحیح نیست، چرا که همیشه عوامل دیگری در تشخیص و نهایتا در تصمیم افراد دخالت دارند. کم نیستند افرادی که آگاهی از خوب و بد دارند و قدرت تشخیص و تفکیک آن ها از هم را هم دارند، اما در نهایت اقدام به عمل درست نمی کنند. اینجا بحث اولویت های ارزشی افراد مطرح می شود. بنابراین باز هم می رسیم به قدرت تربیت در مورد درونی سازی تلقی از آشکاری امور عالم و ثبت و ضبط شدن همه ی اعمال ها و رفتارهای انسان.

فن: بحث گروهی در مورد یک عمل خاص (با شروع از یک عکس یا فیلم یا داستان و ...)

با روش های آموزش فلسفه به کودکان و ایجاد حلقه ی کند و کاو، می توان در مورد نوع اعمال انسان و اینکه عمل انسان در کائنات ثبت و ضبط می شود صحبت کرد و مربی به عنوان یک راهنما، مترجمان را در رسیدن به موضعی اخلاقی یاری کند. به طور خاص می توان در مورد رفتارهای زیست محیطی این کار را انجام داد. مثلا با شروع بحث از یک عکس که در مورد مسائل محیط زیست است، می توان دانش آموزان را در تصور موقعیت و تفکر در مورد آن قرار داد و خوب یا بد بودن کار انجام شده در مورد محیط زیست را به قضاوت نشست.

مبنای چهارم: طبیعت آیت الهی است

طبق مطالبی ک در فصل ۲ آمد، یکی از اساسی ترین رویکردهای قرآن به طبیعت، نگاه آیه ای به پدیده های طبیعی است. در آیات زیادی از قرآن، بسیاری از پدیده هارا ذکر کرده و گاهی با توضیح نظام داخلی آن ها، رهنمون به نشانه بودن آن ها شده است. *إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ* (بقره/۱۶۴). در واقع در قرآن، پدیده ها، مثله شده و جدا شده از ابتدا و انتهای خود دیده نشده اند، بلکه همزمان به نظام داخلی، نظام فاعلی و نظام غایی آن ها توجه شده است.

اصل: احترام نظری و عملی به همه ی پدیده های هستی

نگاه آیه ای به قرآن، احترام را می روپاند. چرا که هستی با شکوه که نشانه ای از خالق بی نقص خود می باشد، سزاوار احترام است. این احترام شامل همه ی پدیده ها اعم از عناصر طبیعی مثل درختان و گیاهان و جانوران، و یا دست ساخته های ارزشی و مفید انسان مثل پل ها و راه ها تا میز و صندلی را شامل می شود. چرا که ماهیت



همه ی وسائل دست ساخت انسان نیز طبیعی است و از عناصر طبیعت ساخته شده اند.

روش ۱ (از منظر ایجابی): بالا بردن سطح سواد زیست محیطی

یکی از جلوه های احترام نظری، آگاهی پیدا کردن در مورد موضوع است. اگر انسان بپذیرد که طبیعت نشانه ی وجود خداست و باید به آن احترام گذاشت، بنابراین تمایل دارد که در مورد آن سواد خود را افزایش دهد. یک تعریف از سواد زیست محیطی به این صورت است: «سواد زیست محیطی توان درک نظام های طبیعی است که زندگی ما را بر سیاره زمین ممکن می سازد و جامعه ی برخوردار از سواد زیست محیطی جامعه ای پایدار است که محیط طبیعی اش را نابود نمی کند چرا که می داند حیاتش وابسته به این محیط است.» (رها دوست، ۱۳۸۷، ۱۱۳) در تعریفی دیگر آمده: «سواد زیست محیطی مستازم درک عمیق و بنیادی نظام های دنیای طبیعت، درک روابط و تعامل های جهان زندگان و غیر زندگان، و توان برخورد معقول با مسائلی است که باید با شواهد علمی، بی طرفی و با توجه به جنبه های اقتصادی، زیبا شناختی و اخلاقی محیط زیست با آن ها روبرو شد.» (رها دوست، ۱۳۸۷، ۱۱۳)

روش ۲: رعایت اخلاق در استفاده از محیط زیست (به کار بردن اصول اخلاق زیست محیطی)

روش ۳ (از منظر سلبی): خودداری از آلوده کردن مکان های طبیعی و تخریب اشیاء دست ساز انسان
فن: اقدام به جمع کردن زباله های مدرسه یا کوچه یا اطراف یک رودخانه به صورت گروهی

به عنوان یک تکلیف مدرسه ای، معلم و دانش آموزان، اقدام به جمع کردن زباله های مدرسه یا یک کوچه یا اطراف یک رودخانه بکنند تا به زشتی عمل زباله ریختن در محیط زندگی پی ببرند و اهمیت پاکیزه نگه داشتن محیط زیست را از نزدیک لمس کنند.

مبنای پنجم: طبیعت متعلق به خداست

وَ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَهٗ قَانِتُونَ (روم/۲۶). مالک مطلق هستی، خداوند است. مالکیت های انسان قراردادی و برای زمان معینی هستند. آگاهی و باور این موضوع برای انسان هم بینش وسیع و حقیقی می دهد و هم آرامش را برای او در پی دارد.

اصل ۱: باور داشتن به مالکیت مطلق خداوند نسبت به طبیعت و جهان

با این اعتقاد و روشن نگری به ماهیت حقیقی مالکیت در هستی، انسان حدود اختیارات خود را می شناسد و همچنین املاک و دارایی های خود را در دست خود مطلق نمی پندارد و به خود اجازه نمی دهد تا به آن ها آسیب بزند.

روش: خود آگاهی نسبت به ناتوانی های انسانی خویش و سرمست نشدن از توانایی ها

مثلا اگر انسان دقت کند که هنگام یک بیماری ساده، توانایی خود را به شدت از دست می دهد و حتی اعضای



بدن خود را نیز نمی تواند به خوبی مدیریت کند، به ماهیت اعتباری مالکیت خویش حتی نسبت به اعضای بدن خود پی می برد. در مورد دارایی ها از منابع طبیعی مثل املاک و زمین نیز، این موضوع کاملا واضح است؛ چرا که در واقع همه ی دارایی های انسان برای مدت موقتی که نهایتا تا زمان مرگ است، در دست او هستند.

اصل ۲: تعقل و تدبیر در طبیعت و هستی

انسان باید با تفکر و تدبیر به طبیعت و پدیده ها بنگرد و به کنه هر موجود فکر کند و همیشگی بودن حضور طبیعت در اطرافش، او را دچار روزمرگی نکند و به کنه هر پدیده فکر کند. این ژرف بینی، او را از دام تصور نادرست مالکیت مطلق خود می رهااند و همچنین نگرشی واقع بینانه در مورد هستی به او می دهد.

(اعراف/۱۸۵)

روش: نظر و مشاهده و ارتباط با پدیده های عالم طبیعت و هستی

در قرآن به نظر و مشاهده در امور عالم توصیه شده است و گاهی پدیده هایی را مثال زده است. أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَىٰ الْأَيْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (غاشیه/۱۷). علوی (۱۳۸۶) نظر را چنین تعریف می کند: «مشاهده ی دقیق توأم با بصیرت و تفکر در پدیده های هستی» (علوی، ۱۶۱، ۱۳۸۶) سوره غاشیه آیات ۱۷ تا ۲۰، در مورد شتر و آسمان و زمین و ... فعل مجهول به کار برده، یعنی تاکید بر مخلوق بودن این پدیده های عظیم دارد. در سوره غاشیه بعد از بحث از حالات انسان های خوب و بد در قیامت، در مورد خلقت شتر و برافراشتگی آسمان و برپایی و برجایی کوه ها و گستردگی زمین صحبت کرده؛ بعد در آیه ۲۱ از تذکر و مذکر بودن پیامبر گفته است. می توان گفت یعنی اینکه انسان با نظاره و مشاهده ی دقیق و عمیق و حق جویانه به طبیعت و پدیده های طبیعی، حقیقت را می یابد و به شناخت درست می رسد. این نظاره گری یک نوع رابطه ی شناختی با طبیعت است. یعنی این مشاهده که ابتدا از حواس شروع شده و به شناخت می انجامد.

بنابراین در مورد محیط زیست، مخصوصا در سنین پایین تر، باید ارتباط با پدیده ی مورد مطالعه را به وسیله ی حواس متربی، حفظ کرد و مطالب را به صورت انتزاعی و دور از دسترسی مستقیم به پدیده، بیان نکرد. (باقری، ۱۳۸۹) در توضیح اصل «ارتباط با واقعیت طبیعی مورد مطالعه» می گوید: «وقتی یک پدیده طبیعی برای دانش آموز در سایه ی مشاهده ی دقیق یا هر گونه درگیری فکری دیگر با آن، به صورت امری مجهول نمایانده شود و پس از آن به ارائه ی مفاهیم و قوانین علمی اقدام شود، دانش آموز مطالب را بر بستر واقعیت های طبیعی ملاحظه خواهد کرد و درک معنا دار تری از مطالب خواهد داشت.» (باقری، ۱۳۸۹، ۲۵۶)

فن: تجربه ورزی درخت کاری و کاشت نهال و مراقبت از آن ها

طبق گفته ی نصر، بیشتر مشکل از جهان بینی است. حالا ما چطور این جهان بینی قرآنی را به خودمان به عنوان مربی و به نسل بعد به عنوان مربی آموزش دهیم؟ درختکاری به عنوان یک روش مشاهده ی مستقیم که مربی



با همه ی حواس خود به مشاهده می پردازد، می تواند به عنوان یک فن بسیار کارا و مفید متربی را درگیر جریان تغییرات و آفرینش های پیوسته ی هستی کند و بدون هیچ فاصله ای از طبیعت و کاملا همراه و همگام با آن، به مشاهده و درک آفرینش پردازد.

در فن کاشت درخت، وقتی که یک کودک، خودش درخت بکارد، خودش احساس می کند که ما و درخت با هم در زمین زندگی می کنیم و وقتی می بیند که هم انسان و هم درخت به آب احتیاج داریم، درخت به مراقبت ما نیاز دارد و ما هم به میوه ی درخت نیازمندیم، این شناخت تدریجا در او به وجود می آید که ما و درخت، در کنار هم و در تعامل با همیم و کم کم به این درک می رسد که خودش با طبیعت و در کل انسان با طبیعت، جزئی از یک آفرینش واحد هستند. در ۱۲ سال تحصیل مدرسه ای، و اینهمه ساعاتی که در مدرسه و درس میگذرد، هر دانش آموز چند درخت و یا حتی نهال کوچک کاشته است؟

پیشنهاد: اگر هر دانش آموز یک یا چند درخت بکارد، هر کس از درخت خود مراقبت کند و در کنار دیگر درختان دوستان خود، با هم به مراقبت از درختانشان پردازند، این فعالیت به تنهایی، در همه انواع ارتباطات انسانی تاثیر مثبت دارد. رابطه ی انسان با خود، به این صورت که در فعالیت کاشت و نگهداری درخت، خود را می یابد و می بیند و احساس توانایی و عزت می کند؛ همچنین به خاطر رابطه ی عاطفی انسان با طبیعت، این همنشینی با درخت، حس خوبی به او می دهد.

رابطه ی انسان با طبیعت: به تعامل خود با طبیعت شناخت پیدا می کند

رابطه با سایر انسان ها: دوستی و لذت از دوستی، و احترام و آرامش در کنار سایر انسان ها

رابطه ی انسان با خدا: پس از تجربه ی کاشت درخت و صبوری برای سبز شدن و بالندگی درخت، و نظاره ی چگونگی جوانه زدن و شکوفه دادن درخت در بهار و تابستان و مرگ و ریزش در پاییز و زمستان، مسلما حیرتی وجود انسان را فرا خواهد گرفت که چطور و با چه قدرتی از خاک، درخت می روید و سبز می شود و جوانه می دهد و باز با نظمی شگفت انگیز، در فصلی دیگر، برگ ها زرد و خشک می شوند و می ریزند، و مرگ، تمام وجود درخت را فرا می گیرد و باز در بهار، از چوب خشک درخت، جوانه و شکوفه می روید. و تازه همین که با گیاهان آشنا شود و ببیند که بعضی خزان و بهارشان با دیگری کاملا متفاوت است (مثلا زعفران در پاییز گل می دهد و در زمستان سبز است و در تابستان زرد می شود)، مسلما همه ی اینها پرسش گری را در فرد بیدار می کند.

پرسشگری که اولین قدم برای تفکر است و پرسشگری و تفکر، به همراه یک راهنما، انسان را به حقیقت می رساند. مسلما وجود آفریننده ای حکیم، اولین پاسخ این پرسش است؛ و رهاورد استمرار این تعامل و همنشینی با طبیعت، برای انسان، آرامش، تفکر مثبت و جهت دار و رابطه ی شناختی و سپس معنوی با خدا می باشد.

بهترین روش آموزش جهان بینی نیز، همین تعامل انسان با بقیه مخلوقات خداوند و با سایر انسان هاست. وگرنه



که ساعت‌ها نشستند در پستو و کلاس و حرف زدن از آفریدگاری خداوند و مخلوق بودن انسان‌ها و همه‌ی پدیده‌ها، کمتر کسی را خدانشناس و حقیقت‌بین کرده است. شواهد جامعه‌کاملاً گویای این مطلب است. در واقع، هدف از فن درختکاری، درگیری هر چه بیشتر حواس انسان با طبیعت است برای شکوفایی درون انسان که خداجو، دنبال خود حقیقی و طبیعت دوست است. چرا که به شهادت آیات قرآن، دارایی انسان از ابتدای تولد، حواس و قلب و فطرت اوست. (أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ) (بلد/۸ و ۹). (فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا) (روم/۳۰)

بنابراین، انسان با این دارایی‌ها در زمین متولد می‌شود، و می‌تواند با پیوند قوای ذاتی خود با طبیعت، راه مطمئن‌تری برای رسیدن به حقیقت پیدا کند. کم نیستند این دست از آیاتی که انسان را دعوت به نظاره به پدیده‌ها و عناصر طبیعت می‌کنند و یا با توصیف نظام داخلی آن‌ها و نمودن شگفتی‌ها و نظم بی‌نظیرش، از راهی مطمئن و آرام، انسان را از مخلوق، به خالق می‌رسانند. در واقع وجود علاقه‌ی انسان به طبیعت، خود راهی برای رسیدن به حقیقت مخلوق بودن آن‌هاست. بنابراین درگیری هر چه بیشتر حواس به عنوان امکانات و ابزار خدادای انسان، برای شکوفایی درون انسان است که خدا در او تعبیه کرده است که این درون، خداجو، دنبال خویشتن حقیقی و طبیعت دوست است.

مبنای ششم: طبیعت هماهنگ، منظم و هدفدار است

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى (اعلی/۱-۳). یکی از خصوصیات برجسته‌ی طبیعت، هماهنگی و نظم آن است که در آیات قرآن نیز بارها بیان شده است. همچنین در نگاه قرآن، وجود همین هماهنگی و نظم، سبب وجود هدف است. ارتباط هماهنگی و نظم، با هدفدار بودن یک امر، ارتباطی کاملاً منطقی است. ذهن پرسشگر انسان، همیشه با دیدن برنامه و نظم، به سوی این پرسش رهنمون می‌شود که هدف این برنامه ریزی و هماهنگی و نظم چیست؟

«مفاهیم مذکور (هماهنگی، نظم و هدفداری)، مبین این حقیقت‌اند که پدیده‌های تصادفی، بیهوده و عبث به وجود نیامده است و عقل و شعور ویژه‌ای بر پدید آوردن آن حاکم بوده است. اگر به پدیده‌ای، برنامه داده شده باشد یا آن که برای آن پدیده برنامه ریزی گردیده باشد، آن پدیده در مسیر ویژه‌ای قرار داده می‌شود که با طی آن هر لحظه در جهت تحقق اهداف تعیین شده برای آن عمل نماید. کلیه اجزاء طبیعت، واجد خصوصاتی هستند، بیهوده نیست که در مواردی مشمول سوگند الهی واقع گردیده‌اند.» (علوی، ۱۳۹۳، ۳۱۹)

اصل: حفظ تعادل طبیعت و پرهیز از برهم زدن آن

انسان نباید با اعمال و رفتار خود، سبب به هم خوردن نظم طبیعت شود. در واقع انسان چون دارای اختیار و اراده است، توانایی عمل بر خلاف مسیر طبیعت و قوانین آن را دارد که این عمل سبب برهم خوردن تعادل طبیعت



می شود. اما آیا انسان اجازه ی چنین اعمالی را دارد؟ طبق رویکرد قرآنی، انسان از دو جهت چنین مجوزی ندارد؛ نخست اینکه، پدیده های طبیعی دارای جان و شعور هستند و در نتیجه حقوق مخصوص خود را دارند، دوم اینکه بر هم خوردن این تعادل، در نهایت، به ضرر زندگی انسان است. چرا که انسان به عنوان جزئی از هستی، مشمول این قوانین است و عدم تعادل طبیعت، به زندگی سالم او ضربه می زند؛ این حقیقتی است که انسان قرن ۲۱، با آن روبرو شده و زندگی او، زیان های ناشی از بر هم زدن نظم طبیعت را متحمل شده است.

روش: پیروی از قوانین طبیعت و تجاوز نکردن از نظم طبیعت

در واقع انسان تنها کافی است که زندگی خود را با قانون های طبیعت، تنظیم کند. رسیدن به این قوانین نیز، از جهتی یک پژوهش تخصصی است، و هم یک نیروی درونی است که هر انسانی آن را می شناسد. *فَاللَّهُمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (شمس/۸)*. کافی است چشمی بینا داشت تا با دیدن این نظم شگفت انگیز در جهان، عملی را مرتکب نشود که این نظم را بر هم زند.

فن: پرهیز از شکار بی رویه ی حیوانات

فن: پرهیز از اسراف در استفاده از منابع طبیعی

انسان مجاز است که برای رفع احتیاجات خود، از منابع طبیعت استفاده کند. اما زیاده روی در این بهره برداری و مصرف بیش از حد از مواد طبیعت، عملاً تعادل طبیعت را بر هم می زند. بنابراین، استفاده ی درست و دوری از اسراف، می تواند انسان را در جهت حفظ نظم و تعادل طبیعت حرکت دهد.

روش ۲: استفاده ی بهینه از مواد و عناصر طبیعت

با وجود اینکه منابع طبیعت محدود هستند، انسان باید از هر چیزی که استفاده می کند، بیشترین استفاده را داشته باشد و تا حد امکان، مواد طبیعی را دور نیندازد.

فن: بازیافت زباله و کاغذ

میلون ها درخت برای ساختن کاغذ قطع می شوند. بنابراین برای جلوگیری از کم شدن درختان، باید کاغذ را بازیافت کرد. زباله ها، یکی از معضلات بزرگ بشر امروز هستند که می توان با بازیافت آن ها و استفاده ی دوباره، هم این مشکل را حل کرد و هم استفاده ی حداکثری از مواد را داشت. در مورد آموزش محیط زیست، آموزش چگونگی جداسازی زباله در مبدا و خانه ها، یک موضوع بسیار مهم است.

روش ۳: تبدیل تهدید زباله ها به فرصت کار آفرینی

با آموزش تفکیک زباله ها، علاوه بر استفاده ی بهینه، می توان ایجاد شغل هم کرد. هم اکنون این کار در خیلی از کشورها و کلان شهرها در حال انجام است.



فن: آموزش ساخت کود از پوست میوه ها و دیگر زباله های تر برای باغبانی

مبنای هفتم: طبیعت یک نظام یا سیستم است

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ. ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ (ملک/۳ و ۴). در تفسیر المیزان ذیل این آیات آمده است: «در خلقت خدا هیچ چیزی که از مقتضای حکمت خارج باشد نمی بینی و تدبیر الهی در سراسر جهان زنجیروار به هم متصل است و موجودات با یکدیگر در ارتباطند، مانند کفه های یک ترازو و در عین اختلاف در بدست آمدن غرض خالق خود اتفاق دارند و خداوند هر موجودی را به گونه ای آفریده که بتواند به آن هدفی که برایش خلق شده برسد و یک موجود مانع از فوت غرض دیگری نگردد. و اگر خدای تعالی را با نام رحمان یاد کرد، به جهت آنست که سراسر خلقت نشأت گرفته از رحمت عام اوست، به هر جهت می فرماید، تو در سراسر جهان هیچ تفاوتی نمی بینی و اگر باز هم با دقت نظر کنی خواهی دید که هیچ اختلال و بی نظمی در عالم خلقت وجود ندارد و اگر دوباره و چند باره هم برگردی و نظر کنی، فقط نظرت خسته می شود و از کار می افتد و هیچ تفاوت و اختلالی نخواهی دید، لذا نظام جاری در عالم، نظامی واحد و متصل و مرتبط است». بنابراین، جهان آفرینش به صورت یک نظام و سیستم مرتبط به هم آفریده شده و کار می کند.

«سیستم یا نظام، مجموعه ای از اجزاء متعامل است که در عین آن که هر جزء هدف خاص خود را دارد، کل مجموعه نیز هدف با اهداف ویژه خود را داراست. آنچه در یک سیستم یا نظام حائز اهمیت می باشد آن است که در اینجا مجموعه ای از اجزاء آن با هم روابط خاص خود را دارند و به صورتی هماهنگ و سازماندهی شده متحداً و توأم با تعاون و همکاری در جهت وصول به اهداف ویژه سیستم عمل می نمایند، مورد بررسی قرار می گیرد؛ و نه یک جزء به تنهایی.

هماهنگی و وحدتی که بین اجزای مختلف طبیعت و هستی به کار رفته است می تواند نمایانگر این حقیقت باشد که پدیده های گوناگون طبیعت همه با هم یک نظام یا سیستم متقن و دقیق را تشکیل می دهند که یک روح واحد و حقیقت واحد بر همه آنها حاکم می باشد» (علوی، ۱۳۹۳، ۳۱۵ و ۳۱۷)

اصل: هماهنگ شدن انسان با پیکره ی نظام مند هستی و طبیعت

انسان باید با شناخت قوانین این سیستم هماهنگ، رفتار خود را با آن هماهنگ کند. عدم آشنایی با قوانین سیستمی طبیعت، هم برای طبیعت و هم برای انسان زیان هایی دارد.

روش: آگاه شدن از قوانین هستی و طبیعت

مربی باید نسبت به ارتباطات و تاثیر و تاثرات پدیده ها و عناصر طبیعت، اطلاعات داشته باشد و بتواند به متربی این آگاهی را بدهد. رویکرد سیستمی به طبیعت، سبب یک نگاه کلی نگر می شود و در نهایت، انسان به این درک



می رسد که خود او نیز جزئی از این سیستم با شکوه است و باید با سیستم هماهنگ عمل کند.

مبنای هشتم: هستی محصور در محسوسات نیست و عالم نامشهودی دارد

طبق گفته ی صریح آیات قرآن، عالم محصور در محسوسات نیست و اینکه انسان قادر به درک مستقیم محسوسات از طریق حواس می باشد، هرگز دلیل بر اصالت صرف طبیعت محسوس نیست. بنابراین، یک رویکرد اساسی اسلام نسبت به طبیعت و هستی، این موضوع است که یکی از پایه های دیدگاه اسلامی نسبت به هستی می باشد.

وَ لِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأُمُورُ كُلُّهَا (هود/۱۲۳)

أُولَئِكَ يَنْظُرُوا فِي مَلَكَوَاتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَ أَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجْلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (اعراف/۱۸۵).

اصل: اعتقاد داشتن به عالم غیب و موجودات نادیدنی مثل فرشته ها

در دیدگاه اسلامی، اعتقاد به عالم غیب و تاثیر آن در زندگی انسان، نقش تربیتی دارد و بنابراین به عنوان یک اصل در نظر گرفته می شود. چرا که اساسا هستی در اسلام، وسیع است و قلمداد کردن آفرینش، تنها به طبیعت محسوس، محدود کردن انسان و طبیعت است.

روش: آگاهی دادن به متربی نسبت به ماهیت هستی

عدم آگاهی در مورد این حقیقت که هستی غیبی دارد و محصور در طبیعت محسوس نیست، سبب نوعی پوچگرایی و ناامیدی در زندگی برای انسان می شود؛ چرا که اگر انسان، هستی را فقط طبیعت دیدنی پندارد، در نتیجه خود او هم تنها یک جسم می باشد و یک زندگی مادی و پس از مرگ هم عدم. اما آگاهی پیدا کردن نسبت به این حقیقت، امیدی است برای زندگی بهتر در دنیا و جاودانگی انسان در عالم معنا و پس از مرگ. بنابراین در مورد اعمال آبادانی و عدم تخریب محیط زیست هم، این اعتقاد، یک نیروی محرک است؛ به این صورت که اعمال انسان نیز باطنی دارد، پس انگیزه ای برای انجام کارهایی با باطن خوب است.

مبناهای مربوط به جایگاه انسان در هستی

مبنای نهم: انسان خلیفه بالقوه ی خدا در زمین است

وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً (بقره/۳۰). خلیفه بودن و جانشین بودن انسان در هستی، در ادبیات قرآنی تعریف و محدوده ی مشخصی دارد. این خلیفه بودن انسان، ریشه در دو زمینه دارد؛ یکی صفات خداوندی که این مقام را به انسان داده است و دیگری صفات و خصوصیات مکانی که انسان این خلیفگی را بر عهده دارد. همانگونه که در فصل سوم آمد، اگر انسان خلیفه ی خداوند در روی زمین است، باید سایه ای از صفات عالیه ی خداوند را با خود به همراه داشته باشد؛ و نکته ی دیگر اینکه یکی از مسائل مهمی که انسان باید



به آن توجه داشته باشد، عبودیت و بندگی در برابر خداوند است. به گفته ی نصر، خلیفه ای که بندگی خود را از یاد برده باشد، خطری برای خود و خانه ی خود است.

نکته ی بعد، صفات و خصوصیات مکان این خلیفگی است، انسان خلیفه ی خدا در روی زمین است؛ طبق مطالب قبل، زمین یکی از مخلوقات خداوند است که ذی شور و تسبیح گوی خداوند و در هر لحظه در تسلیم و هدایتی محض، در حال انجام وظیفه ی بندگی خود می باشد. بنابراین انسانی که قرار است خلیفه ی خدا بر روی زمین شود، باید جایگاه خود را در این میان به خوبی بشناسد، وظیفه ی خود را بر اساس این جایگاه بفهمد و به آن عمل کند.

اصل: مسئولیت در قبال طبیعت

انسان به عنوان خلیفه ی خداوند در زمین، در برابر طبیعت مسئولیت دارد و باید به مسئولیت خود در قبال طبیعت پی ببرد. طبق یافته های فصل ۳، با کنکاش در آیات قرآن، به ۵ وظیفه و مسئولیت اصلی انسان در مورد زمین رسیدیم؛ طبق این یافته ها، انسان از جنبه نظری و عملی در قبال مکان زندگی خود مسئولیت دارد و باید در مورد آن ها آگاه شود.

۱- تفکر در مورد خلقت زمین (یتفکرون فی خلق السموات و الارض/آل عمران/۱۹۱)

۲- حفظ رابطه ی اصیل خود با زمین. . هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ (هود/۶۱)

۳- فراموش نکردن اینکه زمین مال خداست أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ-

(نور/۶۴)

۴- فساد نکردن و خرابی به بار نیوردن در زمین وَلَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا (اعراف/۵۶)

۵- عمران و آبادانی زمین هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا (هود/۶۱)

روش ۱: شناخت پیدا کردن در مورد حقیقت خلقت آسمان ها و زمین با تفکر و مطالعه

در آیات ۱۹۰ و ۱۹۱ سوره آل عمران آمده است: إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. طبق این آیات، تفکر در خلقت و از مخلوق به خالق رسیدن، از نشانه های انسان هایی است که عقل بیداری دارند. بنابراین می توان گفت انسان که دارای قوه ی عقل می باشد، و در زمین با اینهمه نعمت ها آفریده شده است، پس مسئول است از عقل خود استفاده کند و به حقیقت خلقت، پی ببرد.



روش ۲: درک اهمیت معنوی طبیعت

انسان به عنوان جانشین خداوند در زمین، اگر عقل خود را در جهت درک صحیح به کار برد، باید بتواند و در واقع این استعداد و قوه را دارد که اهمیت معنوی طبیعت را درک کند؛ چرا که اگر انسان در خلقت تعقل و تفکر کند، همزمان که به وجود خالق مدبری پی می برد، به درک آیه ای و معنوی طبیعت نیز آه خواهد شد.

روش ۳: عمران و آبادانی در زمین و عدم تخریب آن

هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَعْرِوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ (هود/۶۱). طبق این آیه ی شریفه، خداوند انسان را از زمین و در زمین آفریده است و او را به آبادانی آن گماشته است. بنابراین، انسان که خلیفه ی خدا در زمین است، عقل دارد و نعمت های فراوانی برای او آفریده شده است، مسئولیت آبادانی و جلوگیری از تخریب زمین، به عهده ی اوست.

مبنای دهم: خداوند به انسان کرامت ذاتی داده است

وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء/۷۰). طبق این شریفه، انسان کریم آفریده شده است و بر بسیاری از مخلوقات برتری دارد. اما برتری انسان، اگر سبب سرکشی او شود و حقیقت را نشنود و نبیند و نفهمد، در نهایت، از نظر معنوی، از حیوانات نیز پست تر خواهد شد. وَ لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (اعراف/۱۷۹).

اصل: رفتار کریمانه با طبیعت و موجودات

همانطور که در توضیح مبنا گفته شد، درک کرامت انسانی، مستلزم فهم و درک و تعقل و تفکر است؛ اگر برتری و کرامت انسان، و اختیار و اراده ای که دارد، سبب بهره برداری دلخواه و بی پروا از طبیعت و هر گونه رفتاری با آن شود، مقام انسانی تنزل پیدا می کند. بنابراین، برای کریم ماندن انسان، داشتن رفتار کریمانه، امری ضروری است.

روش: رعایت حقوق سایر موجودات عالم

همانطور که کریم ازلی و ابدی و رحمان دنیا و آخرت، با نهایت بخشندگی، روزی هر جنبنده ی کوچکی را نیز داده است و حق هر موجودی را رعایت کرده است، انسان نیز ب مبنای کرامت خدادای خود، باید حق بقیه ی موجودات عالم اعم از جانوران و گیاهان و در نگاه کلی تر، زمین و محل زندگی خود را بشناسد و ادا کند. جهانی که اکنون با انقراض گونه های حیوانی روبرست و از آلودگی زمین رنج می برد، تداعی کننده ی انسانی نیست که طبق کرامت خدادادی خود رفتار کرده باشد.



مبنای یازدهم: انسان تنها برای حیات این دنیا و این طبیعت خلق نشده و زندگی در زمین، مثل پلی

برای رسیدن به زندگی ابدی او در جهان آخرت است

فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ (توبه/۳۸). انسان نباید هدف همه ی تلاش های خود را تنها در زندگی در این دنیا تمرکز کند. در واقع با این نگاه به انسان، عاقلانه این است که برای برنامه ریزی در مورد هر کاری، جهت اخروی آن رفتار یا فکر را در نظر گرفت. چرا که در هر صورت، اعمال انسان، بازتاب اخروی دارند؛ پس عاقلانه این است که انسان نگاهی جامع به زندگی و رفتارهای خود داشته باشد و کاری را انجام دهد که هم برای زندگی کوتاه خود در دنیا سود داشته باشد و هم برای آخرت او منفعت بیاورد.

اصل: توجه به تاثیر احیای محیط زیست در سعادت آخرت

یکی از اعمالی که سودمندی بسیاری هم برای دنیا و هم برای آخرت و زندگی جاودانه ی انسان دارد، توجه به اعمال مفید زیست محیطی است. در بسیاری از روایات، پاداش اخروی درخت کاری و آباد کردن محیط زیست، بیان شده است. در واقع، این نوع اعمال، باقیات صالحاتی هستند که پس از مرگ فردی که آنها را انجام داده است، تا زمانی که جنبنده ای ثمری از آن ببرد، برای فرد پاداش دارد.

«شش خصلت است که انسان مومن پس از مرگ از آنها منتفع می شود: فرزند صالح، کتاب مفیدی که نوشته، چاه آبی که با حفر آن مردم از آن بهره می برند، درختی که توسط او کاشته شده و مردم پس از او، از سایه، میوه و اکسیژن و ... آن بهره مند می شوند، آبی که جاری نموده و سنت حسنه ای که دیگران از آن سنت پیروی نموده اند.» (امام صادق(ع)، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۶۴. به نقل از ولایی، ۱۳۸۸). بنابراین، کسانی که با رویکرد آخرت گرایی، به چگونگی محل زندگی خود در دنیا بی اهمیت هستند و برای آبادانی آن ارزش قائل نیستند، هرگز در دایره ی تفکر دینی قرار نمی گیرند.

روش: آباد کردن محیط زندگی

با آگاهی به این اصل، انسان با آباد کردن محیطی که در آن زندگی می کند، هم برای زندگی زمینی خود مفید واقع شده است و هم این رفتار، جهت گیری تفکر زندگی ابدی دارد. «خداوند درخت را برای انسان آفرید، از این رو، او باید درخت بکارد، آن را آبیاری کند و در حفظ آن بکوشد.» (امام صادق(ع)، بحارالانوار، جلد ۳. به نقل از اصغری لفجمانی، ۱۳۸۴).

بنابراین هر گونه آبادانی مفید برای محیط زندگی انسان، اجر اخروی نیز دارد. کاشت درخت، ساخت پل، ساختن ساختمان های ضروری، همه و همه به دلیل مفید بودن برای انسان ها و محیط زیست، در زندگی چاودانه ی انسان در آخرت نیز تاثیر مثبت دارند.



۶. نتیجه گیری

توجه به نظام فاعلی و غایی اشیا و پدیده ها، یک قانون کلی برای تبیین مبنای فلسفی آموزش محیط زیست در اسلام است. بنابراین توجه به جهان بینی و نوع رویکرد اسلام به طبیعت، برای برقرار کردن پیوند بین محیط زیست و آموزش، کاملاً ضروری است. با توجه به آیات قرآن کریم، رابطه‌ی بین انسان و طبیعت از نوع رابطه‌ی تسخیری می‌باشد که رابطه‌ی سلطه‌ای کاملاً متفاوت از آن است؛ در نگاه قرآن، مسخر بودن طبیعت برای انسان، در واقع توصیف ویژگی آفرینش است که به سمت انسان می‌باشد و نه یک تجویز برای هر نوع بهره‌برداری انسان از طبیعت. انسان در ارتباط نزدیک با طبیعت و درک ویژگی‌های آن، ابتدا از طریق حواس و رابطه‌ی حسی و در نهایت به درک ماهیت رمزگونه و آیه‌ای طبیعت، نائل می‌شود و در طی این فرایند، به خودشناسی و خداشناسی نزدیک می‌شود.

طبق این رویکرد و بر اساس آیات قرآن، اصول و روش‌ها، با توجه به مبناهای قرآنی و همچنین هدف آموزش محیط زیست برداشت شده است. استفاده از این روش‌ها تلاشی است در جهت قرار دادن انسان در فرایند ارتباط صحیح با طبیعت، و رشد و تربیت خویشتن انسانی او. یافتن چنین ارتباطی با طبیعت، در گرو درک جایگاه انسان و طبیعت در هستی می‌باشد. با درک این جایگاه و نسبت انسان با طبیعت، و استفاده از روش‌های آموزش محیط زیست که در این پژوهش پیشنهاد شده اند، در نهایت انتظار می‌رود که انسان با اتخاذ جهان‌بینی صحیح، به درک خویش، خداوند و طبیعت برسد و چنین انسانی، دوستدار خویش و طبیعت خواهد بود.

Abstract

According to the unpleasant situations for the environment, pay attention to the environmental education is a worldly necessity. Religions and their effective roll on the human's worldview and behaviors, are also has been worldly paid attention by environmental education planners. So attention to the foundations of Islam as final religion, for catching the environmental education planning, is a necessity for researches of the Islamic education. So, this research aims to reach concept, goals, foundations, principles and environmental education methods raised in koarn's teachings, has been done. For this goal, with using inductive approach and Frankna method and koran's teachings, the elements and goals of environmental education according to the Koran, have been extracted; then according to these elements and goals, foundations and then , principles and methods, and in some cases techniques related to the environmental education according to Islam, have been extracted



۷. منابع و ماخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: نشر نصاب، چاپ دوم، ۱۳۸۷

صحیفه سجادیه، ترجمه سید علیرضا جعفری، قم: انتشارات نبوغ، چاپ چهارم، ۱۳۸۸

اخلاقی، مسعود، (۱۳۹۳). «نقش علوم طبیعی در تحقق رابطه ی اخلاقی با طبیعت بر اساس دیدگاه اسلام». *فلسفه*

تربیت دینی و اخلاقی، چکیده مقالات پنجمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران. کرمان:

چاپ سینا

اخلاقی، مسعود، (۱۳۸۷). *تحلیل پرسشگری در تعلیم و تربیت بر اساس اندیشه های معاصر*. رساله دکتری

رشته فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز

اصغری لفجمانی، صادق، (۱۳۸۴). *اصول تربیت زیست محیطی در اسلام*. تهران: سپهر

ایزوتسو، توشی هیکو، (۱۳۶۸). *خدا و انسان در قرآن*. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

باقری، خسرو، (۱۳۹۲). «آموزندن «به» و آموختن «از»»: تحول در آموزش و پرورش در پرتو عاملیت و

تعامل. *پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت*. ۳(۲)، ۵ تا ۱۶

باقری، خسرو، (۱۳۸۹). *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران*. جلد اول. چاپ دوم. تهران:

انتشارات علمی و فرهنگی

باقری، خسرو، (۱۳۸۹). *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران*. جلد دوم. چاپ اول. تهران:

انتشارات علمی و فرهنگی

باقری، خسرو، طیبیه توسلی، نرگس سجادیه، (۱۳۸۹). *رویکردها و روش های پژوهش در فلسفه تعلیم و*

تربیت. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

باقری، خسرو، (۱۳۸۶). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: انتشارات مدرسه

بخش آموزش علمی، فنی و حرفه ای یونسکو، ترجمه فیروزه برومند. *آموزش بین المللی محیط*

زیست. (۱۳۷۰). تهران: کمیسیون ملی یونسکو در ایران

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۶). *اسلام و محیط زیست*. قم: اسرا

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱). *مفاتیح الحیات*. قم: نشر اسرا

جوی ای. پالمرو، (۱۳۸۲). *آموزش محیط زیست در قرن بیست و یکم*. ترجمه خورشید دوست. تهران: سمت

جهانگیر، عیسی، (۱۳۹۰). *محیط زیست و بحران آن، رویکردی قرآنی*. مجله معرفت فرهنگی اجتماعی. سال



دوم، شماره سوم. تابستان ۱۳۹۰

حائری شیرازی، محی الدین. (۱۳۷۲). *انسان شناسی*. قم: شفق

حلبی، علی اصغر. (۱۳۷۴). *انسان در اسلام و مکاتب غربی*. (۱۳۷۴). چاپ دوم، تهران: اساطیر

ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۱). *مبانی محیط زیست*. چاپ دوم. کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی

رستمی نسب، عباسعلی. (۱۳۹۰). *تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت ایران*. جلد اول، قبل از اسلام. کرمان: دانشگاه

شهید باهنر کرمان

رستمی نسب، عباسعلی. (۱۳۹۳). *تربیت در قرآن*. کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان

رستمی نسب، (۱۳۸۹) *فلسفه تربیتی ائمه اطهار (ع)*. کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان

رهادوست، بهار. (۱۳۸۷). «پدیدار شناسی: سواد زیست محیطی». *مجله زیبا شناخت*. شماره ۱۸. ۱۰۹ تا ۱۲۴.

سلیمان پور، اسما. (۱۳۹۱). *فلسفه آموزش شیمی با رویکرد تربیتی با تاکید بر مکتب اسلام*. پایان نامه

کارشناسی ارشد رشته فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

سلیمان پور عمران، محبوبه و دایی زاده. «آموزه های تربیت زیست محیطی اسلامی پیرامون سبک زندگی از منظر

اقتصادی، اخلاقی، اعتقادی و عملی»، *همایش ملی تعلیم و تربیت دینی در مکتب صادقین*

شریعتمداری، علی. (۱۳۶۶). *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*. چاپ دوم. تهران: سپهر

شکوهی، غلامحسین. (۱۳۷۰). *مبانی و اصول آموزش و پرورش*. چاپ چهارم. موسسه چاپ و انتشارات آستان

قدس رضوی

طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۸۲). *تفسیر المیزان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی

عمیق، محسن. (۱۳۹۲). *محیط زیست در اسلام*. اصفهان: جهاد دانشگاهی واحد صنعتی اصفهان

علوی، سید حمید رضا. (۱۳۹۳). *تربیت در قرآن و نهج البلاغه*. کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان

علوی، سید حمید رضا. (۱۳۹۱). *نکات اساسی در فلسفه تعلیم و تربیت و مکاتب فلسفی-تربیتی*.

کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان

علوی، سید حمید رضا. (۱۳۸۸). *بررسی تطبیقی نظریات تربیتی اسلام و ژان ژاک روسو*. کرمان: دانشگاه

شهید باهنر کرمان

عبدالباقی، محمد فواد. (۱۳۹۱). *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*. چاپ سوم. قم: نشر ژکان

فرمیهنی فراهانی، محسن. (۱۳۹۰). *تربیت در نهج البلاغه*. تهران: آبیژ

فراهانی فرد، سعید. (۱۳۸۸). «مبانی اخلاقی محیط زیست از نگاه اقتصاد متعارف و قرآن». *قبسات*، شماره ۵۳. از



۱۷۹ تا ۲۰۸.

فراهانی فرد، سعید. (۱۳۸۵). «محیط زیست: مشکلات و راه های برون رفت از منظر اسلام». *اقتصاد اسلامی*. شماره

۹۳. ۲۲ تا ۱۲۲.

کامستوک، گئری ال. ترجمه رحمتی. (۱۳۸۷). «خدا باوری و اخلاق زیست محیطی». *بازتاب اندیشه*. شماره ۹۸.

از ۷۰ تا ۷۶.

گروه همکاران. (۱۳۸۱). *فرهنگ کشاورزی و منابع طبیعی*، جلد سیزدهم، جنگل و محیط زیست

گلشنی، مهدی. (۱۳۷۵). *قرآن و علوم طبیعت*. تهران: نشر مطهر

محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۹۳). *الهیات محیط زیست*. تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

مکارم شیرازی و همکاران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: انوار درخشان

نصر، سید حسین. (۱۳۸۷). *انسان و طبیعت*. چاپ چهارم. ترجمه ی عبد الرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ

اسلامی

نصر، سید حسین. ترجمه حسن میاننداری. (۱۳۸۲). *نیاز به علم مقدس*. قم: موسسه فرهنگی طه

نصر، سید حسین. ترجمه فغفوری. (۱۳۸۲). *دین و نظام طبیعت*. چاپ سوم. تهران: حکمت

ولایی، عیسی. (۱۳۸۸). *اسلام و محیط زیست*. قم: قدس